

اسراف و بخل میل بطرف زیاده تواند بود  
 در عفت که وسط است میان شره و نحو میل  
 بفقیران و تفصیل تحقق نشود الا بعد از رعایت نظر  
 عدالت بآنکه اول انسان بجهت استحقاق نموده  
 بعد از آن جهت احتیاط و استظهار زیاده ای باقی  
 کرده باشد و اگر همه مال بغير مصرف استحقاق  
 کند مفصل نباشد پس فضل عدالتی باشد این  
 از احتلال و تفصل عادل باشد محتاط در عدالت  
 او از آن جهت باشد که مبالغه و احتیاط در عدالت  
 از آن جهت که خارج است از آن نیست جوابی که  
 رقم گفته اند و همانا فطن صاحب بصیرت را بعد  
 تذکر آنچه در معنی توسط معتبر است درین مقام  
 جوابی اظہار این ظاهر شود و بیاید انست  
 که تفصیل گاهی احتیاط در عدالت است که موجب نقصان

فی

حق خود باشد چه اگر حکم میان دو کس کند در هیچ  
 طرف مفصل صورت نگیرد و در رعایت اعتدال  
 محض و مویت مطلق باید نمود جماعتی از جهات  
 گفتند اند اگر رابطه محبت و علاقه صورت  
 میان مردم مستحکم بودی احتیاج بسلسله  
 عدالت نبودی چه اهل معاملات بواسطه محبت  
 باهمه کبر در مقام ایشار بودندی چه جای انکه طمع  
 در حق غصه خود نمودندی و تحقیق این سخن آنکه  
 رابطه محبت اتم است از رابطه عدالت چه محبت  
 و حدیثت جلی و عدالت و صدق توری قسری با  
 عدالت بی محبت تنظیم نشود پس پادشاه مطلق  
 محبت باشد و عدالت نایب او تواند بود و انتقام  
 آنکه مبدای ایجاد اشیا بقضی گنت کنزاً مخفیاً فاجبت  
 ان اعرف محبت است بس دوام و انتظام نیز تزیین آن تواند

Copyright © King Saud University